

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۱۶، پیاپی ۱۰۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

بازشناسی مبانی مشترک نظری و ساختاری رسانه‌های شنیداری و تاریخ شفاهی

ویدا همراز^۱
سیاوش مقدم چرکاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۲۱

چکیده

براساس یک سنت دیرپا، تاریخ‌نگاران به‌طور کلی نتایج تحقیقات خود را به صورت مکتوب به جامعه ارائه می‌دهند و دستاوردهای مبتنی بر تاریخ شفاهی نیز تاکنون دست‌کم در ایران تحت تأثیر این سنت بوده است. اما نکته فراموش شده آن است که تاریخ شفاهی به لحاظ نظری و ساختاری با رسانه‌های مبتنی بر صوت مانند رادیو وجوه مشترک بیشتری دارد تا رسانه‌های مکتوب، و این دو در مراحل مختلف تولید و سپس انتشار دستاوردهای تحقیقی می‌توانند به یکدیگر یاری رسانند. این مقاله با تکیه بر جدیدترین منابع در مورد تولیدات رسانه‌های شنیداری به‌ویژه رادیو در

^۱ استادیار دانشگاه صدا و سیما؛ hamraz@iribu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی رادیو دانشگاه صدا و سیما؛ siavash.pen@gmail.com

حوزه تاریخ شفاهی به تبیین راهکارهای مطلوب در تعامل بین‌رشته‌ای تاریخ شفاهی و رسانه رادیو می‌پردازد.

واژگان کلیدی: رسانه‌های شنیداری، تاریخ شفاهی، روایت، مصاحبه، صدا.

مقدمه

شاید در اولین اظهارنظر درباره این سؤال که «تاریخ شفاهی چیست؟» عده‌ای پاسخ دهند شنیدن خاطرات افرادی که درباره وقایع زندگی خود سخن می‌گویند تاریخ شفاهی است. زیرا برای مردم عادی مرزی میان «روایت»، «خاطره» و «تاریخ شفاهی» وجود ندارد اما این اظهارنظر صحیح نیست و متخصصان تاریخ میان این دو تفاوت قائلند. از نظر تاریخ‌نگاران، تاریخ شفاهی یکی از روش‌ها و مکاتب مهم ثبت رویدادهای تاریخی در قرن بیستم است که راهی پرفرازونشیب را برای تثبیت جایگاه خود به عنوان یک روش آکادمیک طی کرده است و اکنون به طور قابل توجهی مورد استفاده علوم انسانی قرار می‌گیرد. تاریخ شفاهی به عنوان مفهومی مدرن از تاریخ در جستجوی حقیقت است و می‌خواهد امر واقع را نه فقط از طریق اسناد مکتوب بلکه از ورای گفتگو و سؤال و جواب و تبادل اندیشه با شاهدان محقق سازد. رشد اصلی تاریخ شفاهی در قرن بیستم صورت گرفت زیرا در این قرن محققان تاریخ شفاهی به کمک دستگاه‌های ضبط صوت موفق شدند هزاران مصاحبه تاریخ شفاهی را ضبط و در آرشیوها نگهداری کنند. در چند دهه اخیر نه فقط روایت‌های تاریخ شفاهی به شکل مکتوب بلکه به شکل صوتی و با صدای اصلی مصاحبه‌شونده در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. توجه به تجربه زیسته شاهدان عینی و جذابیت صدای واقعی و مستند نه فقط به باورپذیر بودن تاریخ شفاهی کمک کرد بلکه عرصه‌ای را فراهم آورد تا راه تاریخ شفاهی به رسانه‌ها نیز گشوده شود. تلویزیون و رادیو در تهیه برنامه‌های مستند خود بیشترین بهره را از تاریخ شفاهی بردند اما گویی براساس یک قانون نانوشته رادیو به واسطه سنجیت داشتن با ماهیت صوتی و کلام‌محور تاریخ شفاهی ارتباط محکم‌تری با تاریخ‌نگاری شفاهی یافت و از اواسط قرن بیستم ده‌ها ایستگاه رادیویی در

جهان به تولید برنامه‌هایی پرداختند که ماده اولیه آنها را تاریخ شفاهی تشکیل می‌داد. نفوذ تاریخ شفاهی در برنامه‌سازی رادیویی حتی به رشته‌های دانشگاهی تولید رادیو تلویزیون و کنفرانس‌های بین‌المللی، که به طور منظم در کشورهای مختلف برگزار می‌شود و آخرین مطالعات نظری و تولیدات رسانه‌ای در حوزه مشترک تاریخ شفاهی و رادیو را بررسی می‌کند، نیز گسترش یافت. با توجه به این عرصه جدید مطالعاتی، که کمتر در ایران شناخته شده است، این مقاله می‌کوشد تا مبانی مشترک و تشابهات میان رسانه‌های شنیداری مانند رادیو و محصولات تاریخ شفاهی را بررسی کند و محققان تاریخ شفاهی را تشویق نماید یافته‌هایشان را از طریق رسانه‌های شنیداری در دسترس جامعه قرار دهند.

ادبیات نظری تحقیق

برای قرن‌ها صدای شاهدان رویدادهای تاریخی در دل تاریخ محو می‌شد و اتکاء مورخان بیشتر بر اسناد مکتوب بود. البته رکن اولیه تاریخ‌نگاری پیش از آنکه بشر شروع به کتابت کند بر حافظه انسانی و نقل قول‌های سینه‌به‌سینه استوار بود که به نوعی سنت شفاهی بشر را می‌ساختند. روایت‌های کهن از زندگی جوامع تاریخی به وسیله روایت‌های شفاهی به نسل‌های بعد منتقل می‌شد، به طوری که انعکاس این روایت‌ها را در آثار مورخان باستانی چون هرودوت و توسیدید نیز می‌توان دید. در چین و ژاپن شواهدی از جمع‌آوری مستندات شفاهی تاریخی سلسله‌های شاهی کهن وجود دارد. در جهان اسلام نیز ثبت روایت‌های دوران زندگی پیامبر اسلام (ص) منبع اولین کتاب‌های سیره و حدیث شد و با توجه به اهمیت آن برای حفظ اصالت روایت‌های شفاهی ضوابط دقیق وضع گردید. این سنت شفاهی جوامع بشری حتی پیش از قرن نوزدهم در حوزه‌های مختلفی تأثیرگذار بود، ولی با آنچه به عنوان روش علمی که امروز ما «تاریخ شفاهی» می‌نامیم تفاوت‌های اساسی داشت. روایت شاهدان عینی به عنوان بخشی از اسناد در نوشته‌های تاریخی از قرن ۱۸ میلادی به کار گرفته شد، به طوری که حتی شخصی مانند ولتر که با بدبینی به سنت‌های شفاهی گذشتگان می‌نگریست خود را بی‌نیاز از روایت‌های شفاهی ندید و در نگارش تاریخ چارلز دوازدهم خود (۱۷۳۱) به اهمیت شاهدان عینی تأکید کرد و حتی از پادشاه

هلند که خود یکی از راویان و شاهدان عینی مورد مراجعه‌اش بود تأییدیه کتبی مبنی بر صحت گفته‌هایش گرفت (تامسون، ۲۰۰۰: ۳۴). یکی دیگر از حرکت‌های مؤثر در استفاده از روایت شفاهی شاهدان وقایع، در انگلستان و اسکاتلند به وسیله ساموئل جانسون و سورد الیانک شکل گرفت که برای اولین بار اقدام به طراحی و اجرای یک پروژه وسیع گفتگو با طرفین درگیر در شورش‌های اسکاتلند علیه انگلیس نمودند. آنها دقیقاً بر دروازه یک تحول و تغییر بزرگ در ماهیت دانش پژوهی تاریخ ایستاده بودند که در دو قرن بعد با انفجار کمی و کیفی منابع تاریخی ادامه یافت (تامسون ۲۰۰۰: ۳۶). اگرچه هنوز راهی دراز در پیش بود تا این روایت‌ها به عنوان سند معتبر در تاریخ‌نگاری پذیرفته شوند اما تأثیر دور از ذهن روایت‌های شفاهی در آن دوران بر حوزه‌های متفاوت بسیار جالب بود. دست یافتن به انبوه خاطرات زمینه را برای نگارش نول‌های تاریخی فراهم کرد. سر والتر اسکات که نویسنده یکی از آثار کلیدی در زمینه مطالعه تاریخی زبان و فولکلور بود با تکیه بر تاریخ شفاهی و خاطرات پیرمردانی که شاهد عینی رویدادهای اسکاتلند بودند شروع به نگارش نول‌هایی چون آنتی کوئری، منرینگ و ویورلی کرد (همان‌جا). حتی آثار چارلز دیکنز نیز تا اندازه‌ای بر دیده‌ها و شنیده‌های شخصی او و تجربه زیسته خودش در لندن که می‌شناخت استوار بود. کم‌کم در پایان قرن ۱۸ میلادی سرچشمه‌های یک تاریخ اجتماعی مستقل هویدا شد اما هنوز «تاریخ شفاهی» نبود. شاید اولین مصاحبه مدرن را «سر فردریک اوون» در سال ۱۷۹۰ انجام داد که بعد از یک سال سفر به مناطق مختلف انگلستان و گفتگو با ده‌ها نفر، اطلاعاتی را درباره وضع زندگی فقرا فراهم آورد. به تدریج روزنامه‌ها هم به میدان آمدند و به مصاحبه‌های تاریخ شفاهی علاقه نشان دادند و برای تحقیق در موضوعات اجتماعی مانند سطح دستمزد و شرایط زندگی کارگران شروع به مصاحبه با مطلعان و شاهدان و سپس تجزیه و تحلیل اطلاعات آنها کردند. «هنری می‌هیو» در روزنامه «مورنینگ کرونیکل» بعد از شیوع وبا در سال ۱۸۴۹ در انگلستان شروع به مصاحبه با خانواده‌های طبقه کارگر کرد و دستیار تندنویسی را برای ثبت این گفتگوها به خدمت گرفت تا گفتگوها را عیناً ثبت کند. مقالات او را بازتاب واقعی عصر ویکتوریا می‌دانند اما تا سال‌ها بعد دیگر کسی نتوانست این گونه اطلاعات دقیقی برای روزنامه‌ها

جمع‌آوری کند و راه او را ادامه دهد (تامسون ۲۰۰۰: ۴۶). این حرکت‌های پراکنده برای استفاده از منابع شفاهی در مطالعات تاریخی اجتماعی با رواج جنبش سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم انسجام بیشتری گرفت و در چند حوزه جغرافیایی از انگلستان تا آلمان و استرالیا مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با طبقات مختلف مردم را وارد حوزه تاریخ‌نگاری کرد. در فرانسه «میشله» برای نگارش تاریخ انقلاب فرانسه خود را ناچار به استفاده از اسناد شفاهی دید، هرچند که جامعه علمی فرانسه این گرایش او را کمتر می‌پسندید... در آمریکا جنگ‌های داخلی موجب جلب توجه روزنامه‌نگاران به مصاحبه با شاهدان عینی شد و هنگامی که در سال ۱۸۹۰ دفتر «قوم‌شناسی ایالات متحده آمریکا» مسئولیت تهیه نسخه‌هایی از سرودها و داستان‌های ملی آمریکا را برعهده گرفت و تربیت پژوهشگران علاقه‌مند به تاریخ شفاهی و اعزام آنها به مناطق مختلف را در دستور کار خود قرار داد، پس از آن تا جنگ جهانی دوم حرکت برای اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی آهسته بود اما جنگ و لزوم جمع‌آوری اطلاعات موجب شد رئیس‌جمهور آمریکا روزولت دستور گردآوری کلیه یادداشت‌ها و خاطرات سربازان را بدهد. فعالیت واحدهایی که مأمور نگارش کتاب‌هایی با عنوان «نیروهای آمریکایی در میان سایر ملل» بودند موجب تولید هزاران مصاحبه شد ولی این مصاحبه‌ها شکل منظم تاریخ شفاهی را نداشت. سرانجام اصطلاح «تاریخ شفاهی» از دهه ۱۹۴۰ به طور وسیع به کار گرفته شد و با تأسیس اولین آرشیو واقعی تاریخ شفاهی در ۱۹۴۸ به وسیله «الان نونیس» در دانشگاه کلمبیا تلاش جدی برای انعکاس نقش افراد مختلف در عرصه‌های اجتماعی سیاسی فرهنگی آغاز شد و به تدریج در دیگر دانشگاه‌ها چون برکلی و نیز کتابخانه ترومن گسترش یافت. از آن پس، توسعه روزافزون تاریخ شفاهی در قرن بیستم به خارج شدن تاریخ‌نگاری از محدوده امور سیاسی کمک کرد. تاریخ شفاهی در قرن بیستم رشدی انفجاری در ثبت رویدادهای مرتبط با افراد به ظاهر عادی اما مؤثر در جامعه ایجاد کرد. تاریخ شفاهی امروزه آن‌قدر جزئی‌نگر شده است که حتی به تاریخ خانوادگی نیز توجه می‌کند زیرا عقیده دارد تاریخ خانوادگی به شکل ویژه می‌تواند به یک فرد حس قوی طول عمری فراتر از عمر محدود یک شخص را بدهد و تعلق خاطر او به جامعه‌اش را تشدید کند. اینجاست که جزئی‌ترین اسناد هم

می‌توانند در شکل‌گیری تاریخ کلان اجتماعی نقش آفرینی کنند. این تغییر در تمرکز تاریخ‌نگاری موجب گشوده‌شدن حوزه‌های مهم تحقیقی نیز شده است (تامسون، ۱۰:۲۰۰۰).

اما آنچه بر این موارد باید افزود آن است که برای استفاده از تاریخ شفاهی می‌توان در همین مرحله متوقف شد و براساس سنت رایج، متن مصاحبه‌ها و یافته‌ها را به شکل مکتوب چاپ کرد و یا آنکه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی را در شکل جدید رسانه‌ای شده‌ای آن از رادیو و تلویزیون پخش نمود. در یک نگاه می‌توان فارغ از موضوع و هدف پژوهش، سه رکن اصلی را در مراحل تولید تاریخ شفاهی مؤثر دانست: سؤال / مصاحبه‌گر / مصاحبه‌شونده که هر سه آنها به واسطه یک رویداد تاریخی یا روایت تاریخی به یکدیگر متصل می‌شوند.

در این مقاله با بررسی نمونه‌های مستند تاریخ شفاهی رادیویی دریافتیم که می‌توان شباهت‌هایی را میان عناصر تولید آنها و تاریخ شفاهی به شکل رایج (مکتوب‌نمودن روایت‌های تاریخی) بیان کرد، هرچند که تفاوت‌های قابل توجه نیز میان این دو وجود دارد. تاریخ‌نگاران علاقه‌مند به تاریخ شفاهی به دو رسانه کلامی و نوشتاری برای انتقال نتایج کار خود به مخاطب نیازمندند. اگر بخواهیم ابتدا تعریفی از رسانه ارائه دهیم باید بگوییم رسانه ابزار برقراری ارتباط و حامل پیام است. وظایف اصلی رسانه‌ها را اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و ایجاد همبستگی در جامعه و انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر دانسته‌اند. هر یک از رسانه‌های تصویری، مکتوب و شنیداری در زمان‌های مختلف امکان روایت تاریخ و پیام تاریخی را در جوامع انسانی فراهم آورده‌اند. حال اگر این پیام که در رسانه‌ای صوتی یا تصویری منتقل می‌شود حاوی شرحی از زمان گذشته به زمان حال باشد رسانه به ابزاری برای روایت تاریخ تبدیل می‌شود و نقش ابزار انتقال پیام تاریخی را ایفا می‌کند و با مخاطب جدید ارتباط برقرار می‌نماید. در جوامع بشری، تاریخ با استفاده از ابزارهای ارتباطی یا رسانه‌های مختلف چون صدای انسان، تصویر و الفبا ثبت و منتقل شده است. اما در قرن بیستم پس از اختراع رسانه‌های

الکترونیکی به خصوص رادیو، که مبتنی بر صدا بود، انقلابی بزرگ در زمینه انتقال پیام به وجود آمد که در انتقال میراث تاریخی نیز کاربرد داشت.

در میان رسانه‌ها، رادیو شناخته‌شده‌ترین رسانه شنیداری است. رسانه‌ای که تنها راه ارتباطی آن با مخاطب از طریق گوش و حس شنوایی انسان می‌باشد. البته چند سالی است «پادکست‌ها (podcast)» که انواع فایل‌های کوتاه صوتی هستند و در اینترنت به علاقمندان ارائه می‌شوند (استوارت ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸) نیز به جرگه رسانه‌های شنیداری پیوسته است اما از آن‌جا که پادکست خود فرزند رادیو و زائیده تحولات فنی و اجتماعی مرتبط با رادیو در یک دهه اخیر است، این مقاله تأکید خاص خود را بر رادیو قرار می‌دهد. از میان عناصری که برای ساخت برنامه‌های رادیویی به کار می‌رود و با عنصر تولیدی اثر تاریخ شفاهی شباهت دارد می‌توان به صدا، گفتگو (مصاحبه)، روایت و تخیل یا تصویرسازی ذهنی اشاره کرد که از مفاهیم اصلی این تحقیق هستند.

روش تحقیق

این تحقیق توصیفی و کیفی بوده و به شیوه مطالعه اسنادی و مطالعه موردی، برنامه‌های مستند تاریخ شفاهی را انتخاب و بررسی کرده است. شایان ذکر است که مطالعه موردی روشی است که از منابع اطلاعاتی هرچه بیشتر برای بررسی نظام‌مند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها یا پدیده‌ها استفاده می‌کند. در این تحقیق نمونه‌هایی از برنامه‌های مستند تاریخ شفاهی در دو شبکه رادیویی NPR، BBC 4 به عنوان محصولات شنیداری مورد تأکید و مطالعه قرار گرفته است.

مفاهیم اصلی تحقیق

الف / صدا

انسان‌ها در اولین تجارب درون رحم مادر با شنیدن صدای ضربان قلب مادر با صوت (و ریتم) آشنا می‌شوند (والتر مارچ ۲۰۰۵: ۱). صداها به طور طبیعی در محیط وجود داشته‌اند و شکلی از معنا را که در دنیای واقعی وجود دارد منتقل می‌کنند. اصوات در رادیو معنا را

می‌سازند همان‌طور که صدای چرخیدن کلید در قفل معنای باز شدن در را می‌رساند (کرایسل ۱۳۸۵: ۷۰). از آن‌جا که رادیو رسانه‌ای شنیداری است، یعنی پیام خود را به کمک عناصر صوتی مانند کلام انسان - موسیقی - افکت و حتی سکوت (فقدان صدا) تولید می‌کند، مخاطب باید آن را به‌وسیله حس شنوایی خود دریافت، رمزگشایی و درک کند.

آنچه رادیو را از دیگر رسانه‌ها متمایز می‌کند غلبه ارتباط کلامی بر دیگر اشکال ارتباط انسانی میان گوینده و شنونده پیام است که به اشکال متعدد «مونولوگ» یعنی مجری خواننده متن - گوینده خبر - بازیگران نمایش رادیویی - شعرسرایی - خواندن کتاب‌های صوتی و یا به صورت «دیالوگ» مانند مصاحبه‌های خبری - گفتگوهای صمیمانه با مخاطبان و یا گفتگو با مشاهیر و کارشناسان تولید می‌شود. این تنوع و نیز آنچه در کار رادیو تالیته صدا - ریتم - آهنگ - حالت و طنین نامیده می‌شود و در مجموع بافت صدای گوینده را می‌سازد بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. در رادیو پیام‌های به‌طور غالب از گفتار تشکیل می‌شوند و گفتار همانند نوشته تنها حاوی کلمات نیست بلکه همیشه شامل کلماتی است که در قالب صداها بیان می‌شوند (کرایسل ۱۳۸۵: ۷). کلمات در واقع علایمی هستند که شباهتی به آنچه گفته می‌شود ندارند ولی ویژگی نمادین دارند و همین نمادین بودن آنهاست که یکی از ویژگی‌های جذاب رادیو را می‌سازد، زیرا کلمه به‌عنوان یک نماد نمی‌تواند شیئی را نشان دهد و مخاطب باید آن را در ذهن خود تصویر یا تخیل کند (همان: ۶۶).

در رادیو «صدا» خود «متن» است، فارغ از موضوعی که درباره آن صحبت می‌کند و یا فرمی که برنامه به آن شکل ساخته شده است. «پورتلی» در چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی تاریخ شفاهی در سیدنی، که در سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار شد، ابراز داشت که اگرچه این رونوشت‌های مصاحبه تاریخ شفاهی هستند که منتشر می‌شوند اما در مورد مصاحبه تاریخ شفاهی، صدا متن است (پورتلی به نقل از مک هیو ۲۰۱۰: ۳). قدرت شفاهی بودن در تاریخ شفاهی منحصر به فرد و یکتاست. روایت تاریخ با استفاده از صدای انسان به‌عنوان رسانه انتقال پیام، وجه بارز تاریخ شفاهی است. با این حال یک آسیب همیشه این جذابیت

و تأثیر‌گذاری تاریخ شفاهی را تهدید کرده است و آن متکی بودن تاریخ شفاهی به متن چاپی است، یعنی از ابتدا مصاحبه تاریخ شفاهی با این هدف انجام می‌شود که به صورت مکتوب عرضه شود. شاید این کتاب‌ها قابل دسترس تر باشند اما این متن پدیده‌ای کاملاً متفاوت با صدای واقعی انسانی است. متن چاپی فاقد توانایی نشان دادن رنگ، تونالیته، ریتم و سکوت‌های معنا دار است که در مجموع یک بینامتن را برای متن اصلی که صداست می‌سازند. هیچ متنی نمی‌تواند صدای دو انسان را دربر بگیرد زیرا نوشته و صدا ماهیتاً دو رسانه متفاوت هستند. «کیفیت یک صدای خاص که درونش تأثیر جنس، منشأ فرهنگی، تحصیلات، سبک زندگی، روان‌شناسی، الگوهای کلامی خاص، اطوار و اخلاق شخصی، واژگان، بلندی صدا، سرعت، عادات یک فرد را منتقل می‌کند یک vocal print بسیار متمایز خلق می‌کند و مانند اثر انگشت فرد منحصربه‌فرد است. بنابراین با توجه به این ویژگی‌های خاص صداست که می‌توان پیشنهاد کرد برای حفظ این تأثیر شگرف بهتر است تاریخ شفاهی از طریق رسانه‌های شنیداری و هم‌جنس خود مانند رادیو در دسترس عموم قرار گیرد و احساس ناب مستور در کلام انسانی به صفحات کاغذی کتاب‌ها سپرده نشود.

در نگاهی دیگر می‌توان گفت یک مصاحبه صوتی تاریخ شفاهی در خود قوت و ضعف‌هایی دارد؛ مثلاً زمان زیادی برای شنیدن در مقایسه با خواندن و نوشتن لازم است (و البته خوب شنیدن مهارتی خاص است). مصاحبه با شاهدان باید مجدداً به شکل مکتوب پیاده شود. باید توجه داشت که همیشه اولین برداشت بهترین است زیرا شهادت شفاهی (همراه با مکث‌ها، نفس‌ها، احساسات، تأملات و...) هرگز به شکل اولیه تکرار نمی‌شود و تردیدی نیست محبوس کردن کلام شفاهی و احساس جاری در مصاحبه در متن مکتوب بعضی از کیفیت‌ها را از بین می‌برد.

امروزه در بسیاری از موارد ضبط صدا، ثبت رویداد تاریخی را در زمان وقوع ممکن ساخته است، درحالی‌که برای نوشتن باید از زمان وقوع فاصله گرفت. (حتی می‌توان این فاصله زمانی را در انعکاس خبری در رادیو با چاپ همان خبر در روزنامه‌ها مقایسه کرد).

ب/ مصاحبه

مصاحبه یکی از وجوه تشابه برنامه‌سازی در رادیو و مراحل تولید تاریخ شفاهی است. مصاحبه رادیویی که براساس سؤال و جواب استوار است معمولاً با هدف به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره موضوعی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی انجام می‌شود. هدف از طرح سؤالات که با شیوه‌های مختلف بیان می‌شوند روشن کردن جنبه‌های مختلف یک موضوع برای مخاطبان است. در آموزش‌هایی که به مصاحبه‌گران رادیویی داده می‌شود آنها فرامی‌گیرند که درباره یک موضوع خاص چگونه و با چه معیارهایی پاسخ‌دهندگان را برگزینند؟ چگونه با آنها یک ارتباط انسانی برقرار کنند؟ چه سؤالاتی طرح کنند و چگونه در زمانی محدود بیشترین اطلاعات را از طریق سؤالات هدفمند و شفاف دریافت کنند. چگونه اجازه ندهند مصاحبه‌شونده از بیان واقعیت طفره برود و بتوانند کلیه مراحل این گفتگو را تا حصول نتیجه مطلوب کنترل کنند. مصاحبه‌گر رادیویی هم باید شنونده‌ای فعال و هم پرسشگری دقیق باشد. او کمتر سخن می‌گوید و بیشتر گوش می‌دهد، همان نکته‌ای که بارها به مصاحبه‌گران تاریخ شفاهی نیز یادآوری می‌شود سؤال‌هایش برای مچ‌گیری یا تحقیر مصاحبه‌شونده نیست بلکه فقط می‌خواهد جزئیات بیشتری درباره یک موضوع را دریابد و از طریق رادیو به مخاطبان منتقل کند. در آموزش‌های رادیویی اهداف مصاحبه به طور کلی به چند دسته تقسیم شده است:

- جمع‌آوری اطلاعات درباره یک موضوع (از کارشناسان و شاهدان)
- تفسیر و تشریح موضوعات (اعلام موضع مردم یا مسئولان و ارائه اطلاعات بیشتر)
- پاسخگویی (توضیح خواستن از کسی در قبال اعمالش)
- عاطفی و احساسی (تلاش برای درک احساسات و حالات درونی فرد) (جیمز

بیمن ۱۳۸۳:۱۵)

مصاحبه با هر هدفی صورت گیرد نقش مصاحبه‌کننده در حس اعتماد بخشیدن به مصاحبه‌شونده برای دادن پاسخ‌های مناسب و نیز به شنوندگان برای باور کردن اطلاعاتی که در مصاحبه مطرح شده بسیار مهم است. مصاحبه تاریخ شفاهی در تقسیم‌بندی

مصاحبه‌ها بر اساس اهداف در نوع اول قرار می‌گیرد. در تاریخ شفاهی هم مانند یک مصاحبه رادیویی کنترل در دست کسی است که سؤال می‌کند اگرچه به نظر می‌رسد راوی داستان (شاهد یا مصاحبه‌شونده) است که می‌تواند درباره هر چه می‌خواهد سخن بگوید و یا درباره بخشی از رویدادها سکوت کند اما هدایتگر واقعی جلسات مصاحبه‌کننده است، زیرا می‌داند باید چه سؤالاتی مطرح کند و باید تشخیص دهد صحت مطالب گفته‌شده تا چه اندازه است. بنابراین مصاحبه تاریخ شفاهی آزادسازی صداهای بی‌هدف و داستان‌های فراموش شده در دل تاریخ نیست بلکه مصاحبه‌کننده می‌کوشد روایتی قابل قبول از یک رویداد تاریخی به دست آورد. در فرایند مصاحبه با طرح سؤالات هدفمند یک روایت منسجم و مرتبط با بقیه اسناد تاریخی خلق می‌شود.

در بحث زمان و مکان مصاحبه، تاریخ شفاهی آزادی بیشتری در مقایسه با رادیو دارد درحالی که در مصاحبه رادیویی کوتاه‌بودن زمان و خاص بودن محل مصاحبه، یعنی استودیو، ممکن است موجب استرس مصاحبه‌شونده شود و او تمرکز لازم برای گفتگو را از دست بدهد (در این مورد یک استثنا رادیویی وجود دارد و آن مصاحبه‌هایی است که در رادیو برای تولید مستندهای تاریخ شفاهی صورت می‌گیرد و ممکن است مانند مصاحبه محققان تاریخ شفاهی ده‌ها ساعت طول بکشد و در محلی خارج از استودیو ضبط شود این صداها بعداً در ترکیب با موسیقی و افکت به شکل مستند برای مخاطبان پخش می‌شود).

چه در مصاحبه تاریخ شفاهی و چه در یک مصاحبه رادیویی «سؤال» کلید طلایی موفقیت است. «پل تامسون» استاد تاریخ اجتماعی دانشگاه اسکس در کتاب ارزشمند خود «صدای گذشته» فهرستی طولانی از انواع سؤالاتی که می‌تواند به طور عام راهگشای یک مصاحبه تاریخ شفاهی باشد ارائه کرده است (تامسون ۲۰۰۰: ۳۱۰). در مصاحبه تاریخ شفاهی از آن‌جا که یک برش زمانی از یک زندگی توسط شخصی که آن را زیسته است با تکیه بر حافظه‌اش زنده می‌شود، «حس» قوی در فضای مصاحبه برای مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده پدید می‌آید. پورتلی بر وجود این حس در مصاحبه تاریخ شفاهی تأکید دارد و در تفسیر این کلمه می‌گوید اگر شما به عنوان مصاحبه‌کننده شناخت و درک‌تان بعد از مصاحبه تغییر نکند زمانتان را تلف کرده‌اید. این اثر دوسویه مصاحبه توسط پورتلی در

کنفرانس عمومی ملبورن این گونه ذکر شد: «مصاحبه هر دو طرف را به جلو حرکت می‌دهد، با گفتن ماجرای زندگی تان برای یک بیگانه بیشتر خودتان را می‌شناسید (پورتلی ۲۰۰۹)، با این حال مصاحبه‌کننده باید کاملاً آگاه باشد چه زمانی باید گفتگو را پایان دهد خواه به این دلیل که مصاحبه‌شونده دیگر حرف خاصی برای گفتن ندارد و خواه به این دلیل که مصاحبه‌شونده تحت تأثیر فوران ناگهانی احساسات ناخوشایند تمرکز خود را برای بیان اطلاعات دقیق و صحیح از دست داده است. حتی گاه ممکن است اختلاف عقیده راوی تاریخ شفاهی با مصاحبه‌کننده به بروز تنش و تیره‌شدن فضای مصاحبه منجر شود» (پورتلی ۱۹۹۷: ۱۲). در مصاحبه رادیویی هم مصاحبه‌گر با اعلام قبلی به مصاحبه‌شونده گفتگو را خاتمه می‌دهد.

در هر حال نباید فراموش کرد که مصاحبه در دو شکل رادیویی و تاریخ شفاهی آن کار دشواری است و می‌تواند در موارد خاص تبعات حقوقی و قضایی برای شاهدان و مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌کنندگان داشته باشد، به همین دلیل هر دو نوع مصاحبه نیازمند اصول اخلاقی برای حفظ اعتماد و نیز دستاوردهای فردی و اجتماعی آن است. این اصول با تفاوت‌های اندکی در همه کشورهای رعایت می‌شود (مک هیو ۲۰۱۰: ۱۰۲-۹۸).

در پایان این بخش باید به تفاوت‌های اساسی در مصاحبه رادیویی و تاریخ شفاهی اشاره کرد و آن تفاوت‌های فنی در استفاده از ابزارهای ضبط صدا - معیارهای کیفی ضبط و پخش صدا - نقش محل وقفه‌های صوتی یا سکوت - شیوه‌های تدوین صدا در مصاحبه است. مصاحبه‌گران رادیویی برای حفظ کیفیت صدا و محدودیت زمانی از ابزارهای پیشرفته‌تر در مقایسه با مصاحبه‌گران تاریخ شفاهی استفاده می‌کنند. همچنین آنها باید استانداردهای کیفی ملی و بین‌المللی را برای پخش صداها رعایت کنند (صداهاى مبهم خش دار و..... قابل پخش نیستند). سکوت که در یک مصاحبه تاریخ شفاهی ممکن است بارها و به مدت زمان طولانی ایجاد شود حتی اگر بار معنایی خاصی ناشی از تفکر یا درنگ و تأسف مصاحبه‌شونده داشته باشد به دلیل ماهیت رادیو در این رسانه می‌تواند آزاردهنده باشد.

ج / روایت‌گری

در تاریخ شفاهی و رادیو ظرفیت بالایی برای روایت‌گری وجود دارد. نخست باید به این سؤال پاسخ داد که روایت چیست؟ مایکل تولان در تعریفی از روایت می‌نویسد: «روایت توالی غیرتصادفی رخدادهای زنجیره‌مانند است، رخداد وضعیت مفروضی را پیش فرض می‌گیرد که چیزی باعث تغییر در آن وضعیت پیش‌بینی شده است. توالی غیرتصادفی حاکی از ارتباط هدفمند رخدادهاست» (تولان ۱۳۸۳: ۲۱).

بر این اساس او شش ویژگی را برای روایت‌ها ارائه می‌دهد: ۱. برساخته شدن روایت ۲. هر روایتی دارای وجوه و میزان خاصی از برساختگی است. ۳. بیشتر روایت‌ها دارای خط سیر هستند. ۴. روایت دارای گوینده است. ۵. تغییر وضعیت یا جابه‌جایی گشتار دارد. ۶. روایت مستلزم یادآوری رخدادهایی است که از نظر زمانی و مکانی از دسترس گوینده و مخاطبش دور است (همان: ۳).

دیوید هرمن نیز روایت را این‌گونه تعریف می‌کند: «روایت داستانی است که به جای شرح اوضاع و یا امور کلی و انتزاعی ماجراهایی را نقل می‌کند که در شرایط خاص بر کسانی معین گذشته و به پیامدهای مشخصی انجامیده است» (هرمن ۱۳۹۳: ۲۴).

حال اگر روایت را عمل تولید داستان بدانیم باید مشخص کنیم که «چه کسی» روایت می‌کند؟ و «چگونه» این کار را انجام می‌دهد؟ آدام و زرواز به تأسی از بالزاک به سه دسته شخصیت در داستان اشاره می‌کنند: ۱. شخصیت‌های بازیگر ۲. راوی ۳. نویسنده (آدام و زرواز ۱۳۸۵: ۱۰۰). روایت به کمک نشانه‌های زبانی، صوتی و تصویری قابل ارائه است. برای مثال اکثر مورخان شیوه روایت مکتوب و استفاده از نشانه‌های تصویری (الفبا) و نگارش را برای ارتباط با مخاطبان برگزیده‌اند.

اما اگر از منظر تاریخی برای ورود به بحث تاریخ شفاهی بخواهیم دقیق‌تر به روایت نظر کنیم باید بگوییم که روایت شناخته‌شده‌ترین شکل تاریخ است (استنفورد ۱۹۹۹: ۱۰۲). آسابرگر می‌گوید: «روایت‌ها به وضوح برای ما اهمیت فراوان دارند، آنها هم روشی برای فراگیری پیرامون جهان هستند و هم راهی را در اختیارمان می‌گذارند که آنچه آموخته‌ایم را به دیگران منتقل کنیم» (آسابرگر ۱۳۸۰: ۱۸). این ویژگی دیگری است که نقطه

مشترک روایت و تاریخ به شمار می‌رود. روایت بازسازی یا بیانگری رشته‌ای از رویدادها به یاری نشانه‌هاست که در آن رویدادها به گونه‌ای با معنا در مسیری زمانمند و بنا به منطق علی به هم پیوسته است (احمدی ۱۳۸۷: ۱۴۱). در واقع بیان داستان و روایت همانند تاریخ نیازمند یک طرح اصلی شالوده یا پیرنگ است که به بیان نظام‌مند کنش‌ها منجر شود. براین اساس است که به نقل از پل ریکور فیلسوف فرانسوی داستان تخیلی و تاریخ از نظر ساختار روایی به طبقه‌ای واحد تعلق دارند (ریکور ۱۳۸۳: ۲۶۷).

بسیاری از برنامه‌های رادیویی به خصوص گونه‌های نمایشی و مستند آن صورت بیانی روایتی دارند. با تکیه بر تعریف تولان آنها دارای خط سیر داستانی هستند: از موقعیتی آغاز می‌شوند و به موقعیتی دیگر ختم می‌شوند. عمل روایت در رادیو با کمک نشانه‌های صوتی و به گونه‌های مختلف کلامی، موسیقایی و نمایشی در نظام روایی گفتاری شکل مانند دیالوگ و گفتگو میان شخصیت‌ها و یا مونولوگ و همچنین راوی صورت می‌گیرد. در تاریخ شفاهی هم مصاحبه‌شونده روایت‌گر است و زندگی خود یا رویدادی را روایت می‌کند. با کمک حافظه خود ابتدا رویدادها را در ذهن خود بازسازی می‌کند و سپس به کمک کلمات بیان می‌کند. بدیهی است این رویدادها باید از یک توالی منطقی برخوردار باشند در غیر این صورت به کار مورخ تاریخ شفاهی برای تحلیل نهایی نمی‌آیند.

د / تخیل و تصویرسازی ذهنی

برای تخیل تعاریف متعدد قائل شده‌اند. گریگوری کوری «تخیل» یا Imagination را فرایند جریان یافتن حالت‌های ذهنی می‌داند که اکثراً با انگیزش صورت می‌گیرد. این منبع انگیزشی می‌تواند از طریق حواس پنج‌گانه آدمی دریافت شود؛ مثلاً در رمان و داستان کلماتی که با چشم می‌بینیم این محرک حسی را برای تخیل به دست می‌دهند و شنیدن در رادیو محرک‌های صوتی تخیل است. تصور کردن یا تخیل کردن همیشه خودبه‌خود عملی آگاهانه و عمدی نیست ولی اهداف مهمی چون اهداف شناختی و گردآوری اطلاعات را انجام می‌دهد (کوری ۱۳۸۸: ۸۲). تخیل پروری در رسانه‌های شنیداری بسیار قوی است. انسان در نبود تصویر و متن براساس توصیفات انجام‌شده برای خود یک تصویر ذهنی

می‌سازد و حتی بخشی از جزئیات را به آن می‌افزاید. دامنه تخیل بی‌پایان است بنابراین حتی صحنه‌های غیرممکن نیز در ذهن بازسازی می‌شود. این تخیل بسیار فردی، درونی و اختصاصی است و به تعداد شنوندگان تصویرهای مستقل وجود دارد، درحالی‌که دامنه تصویرسازی در رسانه‌های تصویری محدود است. در متون نوشتاری نیز کلمات می‌توانند به تصویرسازی کمک کنند اما دامنه تخیل را محدود به همان کلمات می‌کنند درحالی‌که در رسانه‌های شنیداری همه چیز باید تخیل شود و تصویر ذهنی لحظه‌به‌لحظه همراه با شنیدن اصوات در همان لحظه ساخته می‌شود. آنچه اتفاق می‌افتد وصفی است از آنچه در حال تکوین است و انتهای آن مانند آخرین صفحه یک کتاب مشخص نیست. شنیدن یک مصاحبه تاریخ شفاهی نیز مستلزم درجه‌ای از تخیل و تصویرسازی ذهنی راوی و مخاطب است. مصاحبه‌شونده باید افراد و مکان‌هایی را که دیگران ندیده‌اند در ذهن خود بازآفرینی و به کمک کلمات توصیف کند و مخاطب نیز پس از شنیدن کلمات آنها را رمزگشایی کند و در ذهن تصویرسازی نماید. اگر مخاطب روایت راوی تاریخ شفاهی را بشنود با استفاده از بینامتن صدای راوی دقیقاً مانند زمانی که از رادیو چیزی می‌شنود، با منظم‌سازی و تکمیل رخدادهای تصویرهای درونی برای خود می‌سازد.

اگر مخاطب «متن مکتوب» مصاحبه تاریخ شفاهی و روایت بازنویسی شده شاهد آن را «بخواند» بینامتن‌های صدای راوی از بین می‌رود و تصویرسازی ذهنی او به دامنه کلمات محدود می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه تاریخ شفاهی را از دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری متمایز می‌کند دقیقاً به ماهیت شفاهی بودن و استفاده از صدای انسان در روایت واقعیت‌های تاریخی بازمی‌گردد. مدارک تاریخ شفاهی خود را به صورت صوتی نمودار می‌کنند. اگرچه به نظر می‌آید که رادیو و تاریخ شفاهی به دو حوزه مطالعاتی مختلف تعلق دارند و اهدافشان متفاوت است اما نشانه‌هایی در عناصر تشکیل‌دهنده و پیام‌رسان، شیوه‌های روایی آنها برای روایت تاریخ وجود دارد که می‌تواند به فعالان در هر دو حوزه برای آزمودن تجربه‌های جدید کمک

کند. رادیو رسانه‌ای مناسب برای انتقال دستاوردهای محققان تاریخ شفاهی است که امکانات هنری و ساختاری بدیعی در اختیار دارد و می‌تواند به انتشار سریع منابع تاریخ شفاهی به شکلی جذاب‌تر از شکل مکتوب آن اقدام کند زیرا با تکیه بر ماهیت کلامی تاریخ شفاهی، این آثار هنگام شنیدن تأثیرگذارتر از زمان خواندن است. انتقال اطلاعات تاریخی به دست آمده از طریق مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در رادیو به مخاطبان می‌تواند موجب تغییر نگرش آرشویی و اسنادی دانستن تاریخ شفاهی شود و آن را بیشتر به میان مردم بیاورد. تاریخ شفاهی که صداهایی برآمده از دل تاریخ را ضبط می‌کند در قالب رسانه‌های شنیداری زنده می‌شود. امروزه در کشورهای پیشرفته راه‌های ساده و کم‌هزینه برای انتشار صداهای واقعی روایت‌گران تاریخ چون تولید پادکست و مستند رادیویی وجود دارد که مخاطبان آنها بسیار بیشتر از خوانندگان کتاب‌های تاریخ شفاهی هستند. هیچ متن چاپی، حاشیه و توضیحی جایگزین بینامتن صدای واقعی انسان نمی‌شود. برای درک بهتر روایت‌های تاریخ شفاهی صدای واقعی را منتشر کنیم نه متن پیاده‌شده و ویرایش‌شده مصاحبه‌ها را. تجربه‌های موفق در انگلستان، آمریکا، استرالیا و... برای مصاحبه با ده‌ها هزار نفر در قالب تاریخ شفاهی و سپس پخش آن از رسانه‌های شنیداری و نمونه‌های تولیدشده در BBC4، NPR که در پیوند تاریخ شفاهی با جامعه بسیار موفق عمل کرده‌اند تنها بخشی از ظرفیت‌های موجود رسانه‌ای پیش روی محققان تاریخ شفاهی است.

منابع و مآخذ

- آدام، ژان میشل و فرانسوا زرواز (۱۳۸۵). **تحلیل انواع داستان**. ترجمه آذین حسین‌زاده و کتابیون شهرزاد. تهران: نشر قطره.
- آسابرگر، ارتور (۱۳۸۰). **روایت در فرهنگ عامیانه رسانه و زندگی روزمره**. ترجمه محمدرضا لیراوی تهران: سروش.
- احمدی، بابک (۱۳۸۷). **رساله تاریخ؛ جستاری در هرمنوتیک تاریخ**. تهران: نشر مرکز.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (ع) / ۱۷۱

- استوارت، پیتز (۱۳۹۰). **مهارت‌های ضروری برای رادیو**. ترجمه حمیدرضا نجفی. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- بیمن، جیمز (۱۳۸۳). **مصاحبه رادیویی**. ترجمه احمد ارژمند. تهران: تحقیق و توسعه رادیو.
- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳). **درآمدی نقادانه زبان‌شناختی بر روایت**. ترجمه: ابوالفضل حری. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- ریکور، پل (۱۳۸۳). **زمان و حکایت، پیرنگ و حکایت تاریخی**. ترجمه مهشید نونهالی. تهران: گام نو.
- ریچی، دونالد (۱۳۸۷). «مسئله روش در تاریخ شفاهی». ترجمه اردلان لاجوردی. **فصلنامه یاد**، شماره ۸۸.
- کرایسل، اندرو (۱۳۸۵). **درک رادیو**. ترجمه معصومه عصام. تهران: تحقیق و توسعه رادیو.
- کوری، گریگوری (۱۳۸۸). **تصویر و ذهن**. ترجمه احمد شهباز. تهران: مهر نیوشا.
- هرمن، دیوید (۱۳۹۳). **عناصر بنیادین در نظریه‌های روایت**. ترجمه حسین صافی. تهران: نشر نی.
- Murch. W (2005) **womb Tone .The Transom Review: 5(1)** April 1. Available from Transom org.
- Mc Hugh. **Siobhan (2010) Oral history and the radio documentary. university of Wollongong.**
- Stanford .Michael (1999) **Acompanion to the study of history** .Oxford university press.UK
- Thompson .Paul (2000) **The voice of the past oral history.** oxford university press.